



مبانی توسعه پایدار شهری

نویسنده: دکتر مهرداد نوابخش، دکتر اسحاق ارجمند سیاه‌پوش

تهران؛ ۱۳۸۸

ناشر: انتشارات جامعه‌شناسان، ۲۲۴ صفحه

مریم فروغیان / کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه:

فرآیندی که کوشش‌های مردم و دولت را در بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی هر محل هماهنگ کند و مردم را برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد. همچنین در برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه، امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی و برابری اجتماعی نقش داشته باشد.

توسعه پایدار شهری به دنبال ساختن یک شهر نسبتاً ایده‌آل و آرمانی است که در آن هم شهروندان معاصر از یک زندگی نسبتاً خوب برخوردار شوند و هم توانایی‌های نسل آینده برای برآورده کردن نیازهایشان به مخاطره نیفتد؛ یعنی این که نسل حاضر در فراهم کردن شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی باشد که در آن بتوانند نیازهای زیستی و معنوی کل افراد جامعه را در حد مطلوب تأمین کند.

مؤلفین بر این باورند که در کشور اسلامی ایران، برای این که شهرها،

توسعه پایدار شهری، موضوع‌های جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌ی زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. توسعه پایدار شهری به مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید از محیط زیست شهری حمایت همه-جانبه‌ای کنند. توسعه پایدار شهری، الگوی پایدار سکونت‌گاه‌ها، الگوی مؤثر حمل‌ونقل در زمینه‌ی مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه‌ی شهری بررسی می‌کند، زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت شهرنشینان می‌داند. در هر حال، توسعه یعنی رشد و گسترش همه‌ی شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و فرآیندی است در جهت بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه؛

محلی مطلوب برای زیستن و آسایش باشد، ما راهی جز این در پیش نداریم که برای لذت بردن از سبک زندگی کردن‌هایمان به توسعه پایدار شهری اهتمام توری و عملی بورزیم و در نهایت آن را برای جامعه یک ضرورت بدانیم مشروط به آن که برای خلاقیت، فرهنگ، مشارکت، تعلیم و تربیت، تأمین نیازهای بنیادین انسان و همه‌ی نیازهای جامعه‌ی انسانی زمینه‌سازی کند و نیز قوانین و مقررات و فرهنگ چنین توسعه پایدار شهری را در جامعه نهادینه سازیم. بنابراین مؤلفین با جمع‌آوری مطالب گوناگون درباره‌ی توسعه پایدار، آن را متعلق به کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، معروف به کمیسیون برنتلند (به نام رئیس‌همایش) می‌دانند. این کمیسیون در گزارش «آینده مشترک ما» نوشت: بشریت توانایی آن را دارد که توسعه خود را پایدار کند. این به آن مفهوم است که به نیازهای فوری خود پاسخ دهد بی‌آن که توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهایشان خدشه‌دار سازد.

فصل دوم: مؤلفه‌های توسعه پایدار

در کتاب مذکور مؤلفه‌های توسعه پایدار انسان، کودکان و جوانان، محیط زیست، زنان، فرهنگ، آموزش، علم، اخلاق، امنیت، مشارکت و حکمرانی محلی مطلوب ذکر شده است و به طور کلی می‌توان گفت که هر قدر مسئولان توسعه از تخصص بیشتری بهره‌مند باشند، القای نگرشی وسیع‌تر از بافت اجتماعی، فرهنگی مکانی که در آن کار می‌کنند، ضرورت بیشتری می‌یابد. بدین قرار، شهرساز، متخصص کشاورزی، مهندس، کارمند و مدیر امور اقتصادی و کارشناس باید پیش از هر چیز از این مسئله کاملاً آگاهی یابد که مهارت‌ها، دانش‌ها و تخصص‌های دیگر سازمان اجتماعی، اقتصادی یا تولیدی، صور دیگری از اندیشه و نظام‌های ارزشی پیش از آنچه آن‌ها می‌خواهند تجویز کنند وجود دارند باید با آن‌ها همزیستی کنند. با توجه به همه‌ی این مسائل در نگرش به توسعه شهری به تهیه و تدوین کتاب «مبانی توسعه پایدار شهری» اقدام نموده‌اند. کتاب مذکور مشتمل بر شش فصل می‌باشد. در فصل یک به تاریخچه‌ی توسعه پایدار و در فصل‌های بعدی به ترتیب به مؤلفه‌های توسعه پایدار، عوامل توسعه پایدار، توسعه پایدار شهری، دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک و نظریه‌های توسعه پایدار شهری پرداخته شده است.

فصل اول: تاریخچه طرح مبحث توسعه پایدار

توسعه صنعتی که در حدود نیمه‌ی قرن نوزدهم آغاز شد در نهایت به تخلیه‌ی منابع و بروز مسائل محیط زیست مهمی که قبلاً سابقه نداشت منجر گردید و فعالیت‌های صنعتی مشکلات آلودگی را در سطح و طیف وسیع محلی و منطقه‌ای، میان منطقه‌ای و جهانی موجب شد. گستردگی و شدت بهره‌برداری‌های انسان از منابع طبیعی کره زمین، طی قرن بیستم به بروز صدمات چشمگیری بر اجزای اصلی تشکیل‌دهنده‌ی بیوسفر، برای مثال جو (اتمسفر)، پوشش گیاهی، اراضی و تنوع زیستی منجر گردیده است.

مؤلفین در این فصل با پرداختن به مبحث توسعه در عصر انقلاب صنعتی به بیان مفهوم توسعه پایدار پرداخته‌اند و معتقدند که توسعه پایدار مفهومی شکل‌یافته نیست بلکه فرآیند دگرگونی رابطه‌ی سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی و مراحل آن را بیان می‌کند و در مبحث بنیادهای توسعه پایدار بهترین تعریف متداول برای توسعه و تعیین هدف‌های کوتاه، میان و بلندمدت است که شانس اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌هایی که درستی اقتصادی، فنی و اجرایی، به خودی خود تضمین‌کننده‌ی پایان خوب آن‌ها نیست، وجود دارد.

فصل سوم: عوامل توسعه پایدار

توسعه پایدار که به دلیل جامعیت و اقبال گسترده در آخرین سال‌های قرن بیستم به بالنده‌ترین مناظره‌ی جهانی تبدیل شد بر مبنای بسیاری از تحلیل‌ها در نظریه‌های چالش‌محوری قرن بیست و یکم خواهد بود. در کتاب حاضر دولت‌ها، سازمان بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی به عنوان عوامل توسعه نام برده شده‌اند.

دولت‌ها

در مسیر دستیابی به شرایط پایداری و به ویژه دوران گذار، وظایف گسترده‌ای بر عهده‌ی دولت‌ها گذاشته شد؛ آن‌ها موظف شدند تا مؤلفه‌های توسعه پایدار را در تمامی سطوح برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها رعایت کنند. گفتنی است که در سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ برخی از اندیشمندان نظیر رادکلیف در دامنه‌ی نظریه‌پردازی پیرامون محیط

۱۹۹۰ به ۳۰۰/۲ میلیارد به در سال ۱۹۹۷ کاهش یافت؛ در حالی که جریان خصوصی منابع مالی از ۹/۴ میلیارد به ۲۵۶ میلیارد طی همان دوره و در همان جهت افزایش یافته است.

فصل چهارم: توسعه پایدار شهری

عبارت «توسعه پایدار» و رای مرزهای گسترش علم و تجارت و دادوستد و توسعه بشری، ارزش‌ها و تفاوت‌ها در فرهنگ‌هاست. در حقیقت، بسیاری از سازمان‌ها از عبارت «توسعه تداوم پذیری بشری» در برابر «توسعه تداوم پذیر» استفاده می‌کنند تا بدین ترتیب بر مسائلی نظیر اهمیت برابر جنسیتی، مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و دستیابی به تعلیم و تربیت و بهداشت و سلامتی تأکید نمایند. در این فصل مشخصه‌های پایداری که به وسیله‌ی مرکز توسعه پایدار تدوین شده‌اند، جایگزینی ارزش‌های والای کیفیت زندگی، رعایت محیط زیست، همسان سازی تکنولوژی با اهداف، بهینه سازی منابع اصلی، مقایسه‌ی ظرفیت تعمیراتی، اتخاذ برنامه‌ی سیستماتیک، حمایت از روش‌های زندگی، مسئولیت‌پذیری و فعال‌سازی و ارزش تنوع عنوان شده است.

فصل پنجم: دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک

در این فصل به دیدگاه جامعه‌شناسانی از جمله آگوست کنت، امیل دورکیم، کارل مارکس، ماکس وبر، فردیناند تونیس، جورج زیمل، چارلز هورتن کولی پرداخته شده و نظریات آن‌ها در مورد رفع مشکلات و مسائل جوامع شهری عنوان شده است.

فصل ششم: نظریه‌های توسعه پایدار شهری

نظریه‌ی مدیریت شهری: مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است و هدف از آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آن‌ها به منظور فعال کردن چالش است که مدیریت شهری با آن مواجه است. نظریه‌ی شهر سالم: شهر سالم هم از آرمان‌شهرها متأثر است و هم از این جهت که به دنبال نارضایتی از وضعیت موجود شهرها مطرح شده و در پی ایجاد محیط‌های سالم شهری برای زندگی انسان‌هاست و هم



زیست، از مکتب مدیریتی زیست محیطی سخن به میان آورده بودند به صورت وسیعی مطرح و از این طریق چارچوب‌ها و مفاهیم توسعه پایدار، در تمامی سطوح، در عرصه‌ی سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفت.

سازمان بین‌المللی

سازمان ملل خصوصاً از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی خود از سال ۱۹۴۶ به بعد عالی‌ترین مرجع بین‌المللی ناظر بر امر توسعه و نوسازی بوده است. از مجموع ۴۱ واحد تشکیلاتی سازمان ملل که مشتمل بر سازمان‌ها، نهادهای تخصصی، کمیسیون‌ها و کمیته‌های این سازمان است، دست کم ۱۰ واحد یعنی حدود یک چهارم نوعاً از واحدهایی است که واژه‌ی توسعه جزئی از ترکیب اسمی آن‌ها است.

سازمان‌های غیردولتی

طی چند سال اخیر بخش خصوصی از نقش بسیار مهم‌تری برخوردار گردید و به ویژه پس از فروپاشی اقتصادهای کمونیستی و سوسیالیستی در اروپا این روند تسریع و تشدید یافته است. در عین حال جریان خالص منابع مالی کشورهای در حال توسعه در بلندمدت از ۹۸۳ میلیارد در سال



از ایده‌های نوین شهرسازی تأثیر پذیرفته است. نظریه‌ی توسعه پایدار شهری: در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده‌ی بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدیدناپذیر مطرح است. نظریه‌ی انتخاب عاقلانه: این نظریه، توصیفی انتزاعی از هدف را اساس قرار می‌دهد و آن را بر حسب مطلوب بودن، مفید بودن و اولویت داشتن معنی می‌کند و نحوه‌ی ساده‌ای از استدلال را اصل قرار می‌دهد.

نقد و بررسی ساختار کتاب

از جمله اشکالات مترتب بر این کتاب عدم توجه به مسئله‌ی فقر و رابطه‌ی آن با مفهوم توسعه شهری است. اگر قرار است توسعه پایدار تحقق پیدا کند، لازم است رابطه‌ی بین فقر و پایداری تجزیه و تحلیل شود. واقعیت این است که کشورهای بسیار فقیر که در تلاش بقای روز به روزند، غالباً توازن لازم برای پرهیز از تخریب محیط زیست را ندارند؛ برای آن‌ها کیفیت زندگی اهمیت ندارد، زیرا اصل زندگی در خطر است نه افزایش دمای زمین یا تهی شدن لایه‌ی ازن. آن‌ها درگیر آب آشامیدنی آلوده و اراضی تخریب شده هستند که معیشت‌شان را تهدید می‌کند. بنابراین تا وقتی مسائل مرتبط با فقر حل نشود، توسعه شهری تضمین نخواهد شد.

تمایل به برقراری ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها (که به هیچ وجه به معنای غفلت از هویت فرهنگی خود نیست) مهم‌ترین عاملی است که تمامی اقوام بشری را با یکدیگر متحد می‌سازد. مدارا و سعه صدر فقط یک معنا می‌تواند داشته باشد. در عین حال هدف فرهنگ تضمین فراگیری دانش، دسترسی به آثار هنری، حق برخورداری از امکانات ارتباطی و بهبود کیفیت زندگی است. مبادله‌ی برنامه‌های فرهنگی و پرسنل آموزشی و همچنین آشنایی جوانان جوامع مختلف با یکدیگر، آگاهی جامعه نسبت به وحدت نوع بشر را افزایش می‌دهد و سبب محافظت بهتر از میراثی می‌شود که از گذشتگان به ما ارث رسیده است و در جهت توسعه شهری می‌تواند ما را یاری دهد و چه بهتر بود که در این کتاب به فرهنگ جوامع دیگر و راهکار آن‌ها در جهت رسیدن توسعه پایدار شهری توجه می‌شد و چه بهتر که زینت‌بخش پایان نقد

کتاب بیانات اخیر فدريكو مایور در سخنرانی ایشان در کشور ژنیر (در ماه مارس ۱۹۹۱) باشد. «اکنون ما به رهیافت جدیدی نیازمندیم، رهیافتی مبتنی بر درک این واقعیت که توسعه نمی‌تواند خود به خود پدیدار شود، فرد باید آن را خلق کند. به هر صورت، بار دیگر باید نیاز به برقراری همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی را مطرح کنیم، زیرا در این روزگار هیچ فرهنگی نمی‌تواند با محبوس ساختن خویش در چارچوب تعریف محدودی از هویت خودی به رشد و شکوفایی نائل شود، به این دلیل است که اکنون یونسکو با برقراری دهه جهانی توسعه فرصت‌های بی‌شماری برای کنش و چالش پدید آورده است.»